

سه شعر آبی برای ای

هوگو کلاوس

مترجم: نیلوفر شریفی



به نام خدا

ناشر برگزیده
هفدهمین، بیستمین، بیست و دومین،
بیست و سومین و بیست و چهارمین
نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

سه شعر آبی برای ایلی

هوگو کلاوس

مترجم: نیلوفر شریفی



سرشناسه: کلاوس، هوگو، ۱۹۲۹ - ۲۰۰۸ م. Claus, Hugo

عنوان و نام پدیدآور: سه شعر آبی برای الی: همراه با شناخت نامه و طرح‌هایی از شاعر / هوگو کلاوس؛ مترجم: نیلوفر شریفی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: پنجاه‌وشش، ۶۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۸۳۲-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: شعر فلاندری -- قرن ۲۰م. -- ترجمه شده به فارسی

موضوع: Flemish poetry -- 20th century -- Translations into Persian

شناسه افزوده: شریفی، نیلوفر، ۱۳۶۰ - مترجم

رده‌بندی کنگره: PT ۶۴۶۶/۲۸

رده‌بندی دیویی: ۶۳۹/۳۱۱۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۸۰۴۸۴

سه شعر آبی برای الی

هوگو کلاوس

مترجم: نیلوفر شریفی

چاپ نخست: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات
علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی:

۰۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۱۵۲-۸۸۸۸۰؛ فکس: ۱۵۱-۸۸۸۸۰

آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.elmifarhangi.com

فروشگاه مرکزی (پرندۀ آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، کوچه گلفام،

پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳-۲۲۰۲۴۱۴۰

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۰۷۸۶-۶۶۴۰۰
فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛

تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

فهرست مطالب

| | |
|---|-------------|
| سخن مترجم..... | نه |
| شناخت نامهٔ تحلیلی..... | یازده |
| بررسی اشعار هوگو کلاوس از دیدگاه مترجم..... | هفده |
| آمیختگی زبانی در آفرینه‌های کلاوس..... | هفده |
| کارکردهای عاطفی..... | هجده |
| تجربه‌گرایی..... | بیست |
| ایجاد سازه‌های معنایی و توجه به ساختار..... | بیست و یک |
| ماهیت انسان در اشعار کلاوس..... | بیست و چهار |
| کارکردهای زیبایی‌شناختی..... | بیست و شش |
| عصیان در آفرینه‌های کلاوس..... | بیست و هشت |
| کشف‌های شاعرانه..... | سی |
| زبان در آفرینه‌های کلاوس..... | سی و یک |
| جامعه..... | سی و دو |
| نگاه عمیق به مرگ..... | سی و چهار |

کلاوس، هنرمندی با بُدهای ناشناخته سی وهفت
کلاوس و نویسندگی سی وهفت
کلاوس و نقاشی سی وهشت
کلاوس و تئاتر چهل و یک
کلاوس و سینما چهل و دو

کتاب‌شناسی هوگو کلاوس چهل و سه
اشعار چهل و سه
اپرانا مه چهل و شش
داستان چهل و شش
رمان چهل وهفت
رمان کوتاه چهل وهشت
نمایشنامه چهل وهشت
فیلمنامه پنجاه و یک
مقالات پنجاه و دو
دیگر آثار پنجاه و دو
جوایز ادبی پنجاه و سه

دفتر اول: دختری از بغداد ۱
دفتر دوم: تورامی نویسم ۱۷
دفتر سوم: رخت عروسی ۳۵
دفتر چهارم: زیر درختان بلوط ۵۱

اگر هیچ چیز
شکوفانمی شود
چرا اندوه
می شکفتد؟
اگر همه چیز
رشد می کند
چرا عشق
این گونه نیست؟

هوگو کلاوس



سخن مترجم

هوگو کلاوس شاعری رنجور و دردمند است. این را آفرینه‌هایش شهادت می‌دهند. شاعری است که با رستاخیز واژگانش در اعماق سینه قلب را چنگ می‌زند. امروز که شعرهای زیبای او را برای نخستین بار به مخاطبان آگاه و بالنده ادبیات فارسی معرفی می‌کنم بسیار خوشنودم. شاید این تلاش، بخش کوچکی از زیست این شاعر گرانمایه را نشان دهد که هیچ‌گاه قلم بر زمین نگذاشت تا رنج خود را با پرندگان که بر گرده‌هایش می‌نشینند آزاد کند و تنها پرندگان زخم‌هایش را می‌دانند که اندوهش را آواز کردند.

او با قامتی برافراشته در برابر بادهای موسمی چون سروی در چشم‌انداز دشت ایستاد. در زمستان بر شاخسارانش برف نشست، در خزان عریان شد و با نوید بهاران اندام کبودش غرق در شکوفه شد. آوندهای هوگو کلاوس سبزینه‌های شاداب ادبیات بلژیک است که حتی خشم تبرهای عاصی او را از بالیدن دور نساخت.

او هر روز در خاک سخت و غمگین سرزمین مادری‌اش جوانه می‌زند و سر برمی‌آورد. دریغ و درد هر بار که چون جوانه‌ای از نهاد

خاک برخیزد، باز هم صحیفه زندگی اش به درامی خواندنی و غم انگیز می ماند.

در این مجال تابناک بر آنم به واکاوی تجربه های ادبی کلاوس... این مرد بزرگ در زمینه های گوناگون پردازم، شاید این تلاش زمینه ساز شناختی اندک شود. شاید سخن راندن از این چهره جنجالی بتواند زوایای پنهان این آفرینشگر هنری را بیشتر نشان دهد.

نیلوفر شریفی - آمستردام

فوریه ۲۰۱۷

شناخت‌نامه تحلیلی

هوگو کلاوس یا به زبان هلندی هوخو کلاوس^۱ پسر ارشد ژرمینه وان درلیندن^۲ و یوزف کلاوس در پنجم آوریل سال ۱۹۲۹ در شهر بروخه^۳ بلژیک چشم به جهان گشود. پدرش در چاپخانه کار می کرد و برای امرار معاش بیشتر، وسایل مورد نیاز مدارس را می فروخت. بعدها به صورت غیر حرفه‌ای به بازیگری تئاتر روی آورد.

پس از چند سال و با تولد برادران دیگر کلاوس، آن‌ها تصمیم گرفتند به زادگاه مادرشان آستینه^۴ نقل مکان کنند. پس از آن، هوگوی کوچک از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۳۹ به مدرسه شبانه‌روزی رفت. او در سال ۱۹۴۶ خانه پدری اش را ترک کرد و به خانه هنرمندی نقاش به نام آنتون دکلرک^۵ در شهر سینت مارتنز لیرنه^۶ نقل مکان کرد تا با او زندگی کند. در آنجا به دانشگاه هنرهای زیبا رفت تا بازیگری بیاموزد. کلاوس برای گذران زندگی و امرار معاش نقاشی کرد و برای

1. Hugo Claus

2. Germaine Vanderlinden

3. Brugge

4. Astene

5. Antoon de Clerck

6. Sint-Martens Lerne

کتاب‌های گوناگون تصویرسازی می‌کرد. در همین سال‌ها بود که به نوشتن روی آورد و در هجده سالگی اولین کتاب شعرش را به چاپ رساند. یک سال بعد هم اولین کتاب داستانش منتشر شد. اما او همچنان خود را تنها یک نقاش می‌دانست.

کلاوس تابستان آن سال در یک کارخانه تولید قند و شکر واقع در شمال فرانسه به عنوان نیروی کمکی مشغول به کار شد. ورود به فرانسه افق تازه‌ای پیش چشم هوگوی جوان گسترانید و دیدگاه او را به نوشتن و هنر تغییر داد. او که از کار و فعالیت روزانه طاقت‌فرسا در آن کارخانه به ستوه آمده بود، برای گشت و گذار سه‌روزه به پاریس سفر کرد. در پاریس در یک کافه بار کوچک با آنتونین آرتو^۱، نویسنده بازیگر و نظریه پرداز تئاتر آشنا شد. این آشنایی چنان بر آینده هوگو کلاوس تأثیر گذاشت که همواره از آرتو به عنوان پدر معنوی خود یاد می‌کرد. او در سال ۱۹۴۹، پس از آنکه خدمت سربازی‌اش را به اتمام رساند، به عنوان سردبیر مجله سولداتن پست^۲ با همکاری دوستان و همفکرانش و نویسندگان برجسته‌ای چون لویس پل بون^۳ و تون برولین^۴ شروع به فعالیت کرد. در همان سال اولین نمایشگاه نقاشی‌اش را نیز برپا کرد. هوگو کلاوس از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ در پاریس اقامت گزید و مکتب‌های فکری سوررئالیسم، اگزیستانسیالیسم و کبرامدرنیسم^۵ را بیشتر شناخت.

1. Antonin Artaud

2. Soldaten Post

3. Louis Poul Boon

4. Tone Brulin

۵. کبرامدرنیسم جنبش هنری آوانگاردی بود که جمعی از هنرمندان کشورهای هلند، بلژیک و دانمارک پدید آوردند. این جنبش در هشتم نوامبر ۱۹۴۸ در کافه نوتردام در پاریس شروع به کار کرد. CoBrA حروف اول نام پایتخت کشورهای است که بنیانگذار آن هستند: کپنهاگ، بروکسل، آمستردام. کبرا مهم‌ترین جنبش بین‌المللی آوانگارد در هنر اروپا بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود که در واکنش به نزاع بین انتزاع و واقعیت و بر اساس بیان خلاقانه به وجود آمده است.

او با هنرمندان برجسته آشنا و با نویسندگانی چون هانس آندره‌یس^۱، سیمون فینکه‌اوخ^۲ و رودی کاوسبروک^۳ هم‌خانه شد.

در سال ۱۹۵۳ دو اثر بسیار مهم از کلاوس منتشر شد: رمانی به نام روزهای سگی و نمایشنامه عروس فردا. نمایشنامه عروس فردا بارها تجدید چاپ شد و با اقبال عمومی ویژه‌ای مواجه گردید، به زبان‌های گوناگون ترجمه شد و جوایز متعددی را نیز از آن خود کرد. کارگردانی هلندی به نام تون لوته^۴ نیز آن را به روی پرده برد. این اثر هنوز هم در کارنامه کلاوس می‌درخشد و در کنار دیگر آثار ارزشمند او مانند رمان عشق سرد از مهم‌ترین آثارش محسوب می‌شود.

هوگو سپس به ایتالیا رفت و دو سال در آنجا زندگی کرد. در ایتالیا با خانم بازیگری به نام الی اورزیر^۵ که مدل نیز بود آشنا شد. چندی نکشید که این آشنایی به ازدواج آن‌ها انجامید. آن دو صاحب فرزند پسری به نام توماس شدند.

تجربیات کلاوس از زندگی مشترک و عشق و عاشقی زمینه‌ساز پیدایش اثری جاودانه و بی‌نظیر به نام عشق سرد و صدها شعر شد که در کارنامه درخشان کلاوس برای همیشه ماندگار خواهند بود. کتاب شعر سه شعر آبی برای الی نیز در همان سال منتشر شد.

کلاوس در سال ۱۹۵۵ به بلژیک بازگشت و در شهر خنت^۶، در دانشگاه سلطنتی و دانشگاه هنرهای زیبا به ادامه تحصیل پرداخت. سپس در سال ۱۹۵۹ از ایالات متحد آمریکا بورسیه ادامه تحصیل گرفت، به آمریکا رفت و در آنجا با نویسندگان و هنرمندان شهیر و نام‌آور آمریکایی آشنا شد. او در دانشگاه با نویسندگانی چون ایتالو کالوینو^۷ هم‌کلاس بود.

1. Hans Andreus

2. Simon Vinkenoog

3. Rudy Kousbroek

4. Toon Lute

5. Elly Overzier

6. Gent

7. Italo Calvino

سال ۱۹۶۵ هوگو کلاوس تحصیلاتش را به پایان رساند و به آغوش وطن بازگشت تا فعالیت‌های هنری‌اش را آغاز کند. او در مزرعه‌ای آرام سکنا گزید و بیشتر به نوشتن نمایشنامه و شعر برای اجرا در اپرا همت گماشت. او در آثارش به مسائل مهم اجتماعی و سیاسی آن دوره اشاره می‌کرد و به مخالفت با امپریالیسم امریکایی می‌پرداخت و در اجرای نمایشنامه‌هایش از مجسمه چگوارا استفاده می‌کرد و از مبارزات آزادی‌خواهان امریکای جنوبی سخن می‌گفت. کلاوس صدها شعر نوشت و بیش از بیست رمان زیبا از خود بر جای گذاشت، کارگردانی می‌کرد و در این میان به خاورمیانه، ترکیه و خاور دور سفر می‌کرد. او به اسپانیا، مکزیک و امریکا سفر کرد و حتی به اتفاق نویسنده برجسته هلندی، هری مولیش^۱ به کوبارفت و فیدل کاسترو را ملاقات کرد.

پس از بازگشت به بلژیک، دادگاه این کشور نمایش‌های تئاتر او را مخالف و مغایر با خط مشی دولت خواند و منافی با عفت دانست و با تخفیف او را به چهار ماه زندان محکوم کرد. وقتی این خبر منتشر شد، دوستان و طرفداران کلاوس با مخالفت‌ها و اعتراضات خود به سانسور اندیشه‌ها توانستند این حکم را به جریمه نقدی تقلیل بدهند. کلاوس در کشاکش این معضلات از همسرش جدا شد و به هلند نقل مکان کرد و در آمستردام به فعالیت‌هایش ادامه داد، تا اینکه با زنی بازیگر، خواننده، کارگردان و مدل به نام سیلیفیا کریستل^۲ که ۲۶ سال از او کوچک‌تر بود آشنا شد و با او ازدواج کرد و از این ازدواج جنجالی صاحب فرزند پسری به نام آرتور شد.

هوگو کلاوس در سال ۱۹۷۷ به بلژیک بازگشت و در همان زمان پدر و مادرش را از دست داد. سپس شهر آنتورپ^۳ را در بلژیک برای

1. Harry Mulisch

2. Sylvia Kristel

3. Antwerpen

زندگی انتخاب کرد و در آنجا به سفر و نوشتن ادامه داد. در همین شهر مرکزی به نام مرکز پژوهش و مطالعه و شناخت هوگو کلاوس و آثارش تأسیس شد. این اولین بار بود که مؤسسه‌ای در بلژیک درباره آثار نویسنده‌ای که هنوز در قید حیات بود پژوهش و تحقیق می‌کرد. هوگو کلاوس نویسنده‌ای جسور، رند و تابوشکن بود؛ کسی که از کودکی روی پای خود بود و سختی‌های عدیده‌ای را از سر گذراند. و بی دلیل نیست که مادر بزرگش او را «اندوه بلژیک» خطاب کرد. کلاوس با ازدواج‌های بحث‌برانگیزش، برای دخالتش در سیاست روز، به علت چندوجهی بودن هنرش و به دلیل اینکه صدای مردم تنگدست روستاها و شهرستان‌های دورافتاده فلاندر بود و از دورویی و کارشکنی جامعه‌ای پدرسالار و مذهب‌زده انتقاد می‌کرد، به چهره‌ای عصیانی و بحث‌برانگیز در بلژیک بدل شد. او بزرگ‌ترین، شاخص‌ترین و پرآوازه‌ترین مرد در عرصه ادب، هنر و فرهنگ بلژیک است که به زبان فلاندری می‌نوشت. احاطه او بر زبان، تاریخ و فرهنگ کشورش با بیان شیوا و اندیشه‌ای ناب چنان در هم آمیخته بود که او را برای همیشه زنده نگاه خواهد داشت؛ مرد اندوهگینی که تمام عمر رنج بلژیک را بر گرده‌های زخمی‌اش تاب آورد؛ نابغه‌ای که در سن ۷۸ سالگی با اوتانازی (حق مرگ انتخابی) در گذشت.